

## عوامل مؤثر بر مناسبات ایران و آمریکا

محمد آریمنش\*

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد

احمد جوانشیری

عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی و زبانهای خارجه، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

محسن مدیرشانه‌چی

عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹)

### چکیده

یکی از دیرپاترین بحران‌های خاورمیانه، سیاست منازعه در مناسبات ایران و آمریکا طی چهار دهه‌ی گذشته است. در طول تاریخ روابط دو کشور، عوامل گوناگونی بر چگونگی آن تأثیرگذار بوده و این روابط متأثر از شرایط داخلی، خارجی و بین‌المللی شکل گرفته است. جهت دستیابی به نقشه‌ی راه مطلوب در روابط دو کشور، بررسی ابعاد مختلف این عوامل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش، شناسایی و بررسی عوامل مؤثر بر مناسبات ایران و آمریکا است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و پرسش‌نامه‌ای و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای می‌باشد. براساس یافته‌های پژوهش، تأثیر عوامل تاریخی به عنوان یکی از عوامل مؤثر، شناسایی و مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حوزه‌ی عوامل جغرافیایی، به مباحث مرتبط با اهمیت و جایگاه جغرافیایی ایران و نقش ایران در حل و فصل منازعات منطقه‌ای پرداخته شده است. سومین حوزه‌ی مورد بررسی، نقش عوامل نظری است که در این بخش به نقش موضوع تروریسم، حقوق بشر و تضادهای ایدئولوژیک در شکل‌دهی به روابط دو کشور اشاره می‌شود. در حوزه‌ی عوامل بین‌المللی، نقش تعاملات ایران با سایر کشورها در قالب آینده‌ی نظام بین‌الملل و نقش کشورهای مزاحم قرار گرفته‌اند و در نقطه‌ی مقابل نهادهای رسمی و غیررسمی داخلی دو کشور نیز در شکل‌دهی به سیاست خارجی مؤثر هستند. نقش عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، دو حوزه‌ی دیگر مورد بررسی هستند و در پایان به حوزه‌ی توانمندی هسته‌ای و برنامه موشکی ایران پرداخته شده است.

### کلید واژه‌ها

آمریکا، ایران، سیاست خارجی، نقشه‌ی راه.

خاورمیانه در طول سده‌های اخیر با اهمیت بوده و با گذر زمان بر این اهمیت افزوده شده است. خاورمیانه نقطه‌ی تلاقی سه قاره‌ی آسیا، اروپا و آفریقا و مهمترین آبراه‌های نیمکره‌ی شمالی مانند خلیج فارس، دریای عمان، دریای سرخ، و مدیترانه و دو تنگه‌ی مهم هرمز و باب‌المندب در این منطقه قرار دارد (علیزاده، ۱۳۸۸: ۹۷). در آغاز هزاره‌ی سوم، خاورمیانه همچنان یکی از نقاط مهم، استراتژیک و در عین حال بحران‌ساز در جهان است (ابوالحسن شیرازی، قربانی شیخ نشین و سیمبر، ۱۳۹۴: ۱). یکی از بحران‌های این منطقه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رویکرد منازعه‌جویانه‌ی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده‌ی امریکا است که در طول چهل سال گذشته با همه‌ی فراز و فرودهایش همچنان لاینحل باقی مانده است.

برخی صاحب‌نظران مدعی‌اند که تنش و ابهام بین ایران و ایالات متحده و سیاست «نه جنگ و نه صلح» که ویژگی چهار دهه‌ی گذشته‌ی روابط دو کشور بوده است دیگر ادامه یافتنی نیست و دو کشور در دوراهی انتخاب بین جنگ و صلح قرار گرفته‌اند. بدیهی است انتخاب گزینه‌ی جنگ، برای هر دو سوی درگیری و حتی خاورمیانه، انتخابی پر هزینه و همراه با بی‌ثباتی ناشی از آن خواهد بود و در نقطه‌ی مقابل، دستیابی به صلح بین ایران، به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و ایالات متحده، به عنوان یک قدرت جهانی، می‌تواند چارچوبی برای یک همکاری را فراهم کند که نتیجه‌ی آن ثبات در خاورمیانه از لبنان در غرب تا افغانستان در شرق خواهد بود (موسویان، ۱۳۹۳: ۴۹۲-۴۹۱). یکی از گام‌های اساسی در جهت دستیابی به مسیر صلح در روابط دو کشور، شناسایی ابعاد مختلف تاثیرگذار بر مناقشه‌ی ایران و امریکا است. لذا در مرحله‌ی نخست به منظور روشن ساختن مبانی نظری مرتبط با تحقیق و مروری بر تجربیات و مطالعه‌های صورت گرفته، از مطالعات کتابخانه‌ای- اسنادی به همراه مراجعه به منابع اینترنتی پیرامون موضوع مورد مطالعه، استفاده شد. در ادامه با ارائه‌ی لیست متغیرهای اولیه به افراد نمونه، از آن‌ها خواسته شد تا به ارزیابی میزان اعتبار این شاخص‌ها بپردازند و به پرسش اصلی این پژوهش یعنی شناسایی این عوامل با بهره‌گیری از منابع مختلف و فارغ از شدت و ضعف میزان اثرگذاری پاسخ گویند. در مجموع ۷۷ توصیف‌گر در قالب هشت عامل اصلی مطابق پیوست (۱)، شناسایی گردید. در ادامه‌ی پژوهش به بررسی عوامل اصلی احصا شده پرداخته می‌شود که در پرسشنامه‌های اخذ شده از خبرگان مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

## ۱. عوامل تاریخی

اولین بار میرزا تقی خان امیرکبیر در سال ۱۲۳۰ با درک قدرت در حال ظهور ایالات متحده، مذاکره با وزیر مختار امریکا را آغاز کرد و پنج سال بعد، معاهده‌ی بازرگانی و حسن تفاهم میان دو کشور منعقد شد. اما نخستین رابطه‌ی رسمی و سیاسی به سال ۱۲۶۲ و با تعیین کاردار و سفیر مقیم امریکا در ایران شکل گرفت و پنج سال بعد حسینقلی خان صدرالسلطنه معروف به حاجی واشنگتن به عنوان اولین سفیر ایران به امریکا معرفی شد (رضازاده ملک، ۱۳۵۰: ۸۲). امروزه با گذشت بیش از صد و شصت سال از نخستین روابط، صفحات متنوعی توأم با فراز و نشیب‌های متعدد در تاریخ روابط دو کشور نقش بسته است و دسته‌بندی‌های مختلفی از روابط دو کشور توسط اندیشمندان ارائه گردیده است. در این حوزه روابط دو کشور در چهار دوره مورد بررسی قرار گرفته است.

این دوره ی تاریخی که قریب به نیمی از دوران روابط دو کشور را در بر می گیرد، حاوی رویدادهایی است که عمدتاً در حافظه ی ایرانیان تصویرگر چهره‌ای مثبت از ایالات متحده است. نقش هوارد باسکرویل<sup>۱</sup> در شکل‌دهی به مبارزات شاگردانش در مدرسه ی یادبود امریکایی تبریز<sup>۲</sup> و کشته شدن در نبرد با نیروهای دولتی (کسروی، ۱۳۶۳: ۸۹۸-۸۹۱)، خدمات هیأت امریکایی به رهبری مورگان شوستر<sup>۳</sup> در اصلاح وضعیت مالی و گمرک و سرو سامان دادن درآمدها و نظارت بر هزینه‌های کشور (میلسپو، ۱۳۷۰: ۲۵)، خدمات ساموئل جردن<sup>۴</sup> در بنیانگذاری نهادهای آموزشی مدرن در ایران و اقدامات دکتر آرتور میلسپو<sup>۵</sup> در بازسازی اقتصادی ایران (پولاک، ۱۳۸۸: ۶۸-۵۵)، برخی از خدمات شخصیت‌های امریکایی در ایران در این دوره هستند.

دولت امریکا نیز در این برهه خدمات ارزشمندی با هدف توسعه ی حوزه ی نفوذ و در راستای دستیابی به منافع ملی خودبه ایران ارائه نمود. در آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴/۱۲۹۳)، ایران بی طرفی خود را اعلام نمود و تلاش‌های بسیاری برای اجتناب از درگیر شدن در جنگ به عمل آورد، اما موقعیت استراتژیک ایران سبب شد که متفقین از خاک ایران برای نبرد با عثمانی استفاده کنند. در این زمان نیز امریکا به دو طریق به ایران کمک کرد: اول کمیسیون کمک‌رسانی ایران<sup>۶</sup> را ایجاد کرد و کمک‌هایی در قالب غلات، ماشین‌های باربری برای حمل غذا از هند و کمک‌های صلیب سرخ ارائه نمود (میلسپو، ۱۳۷۰: ۶۱-۶۰). دوم با آشکار شدن افق‌های پایان جنگ جهانی اول، اخبار مربوط به تشکیل کنفرانس صلح، ایرانیان را به این کنفرانس امیدوار نمود. لذا ایرانیانی که خود را محق به شرکت در کنفرانس مزبور می دیدند، هیأتی به سرپرستی وزیر امور خارجه به پاریس اعزام داشتند (افشین وفایی و فیروزبخش، ۱۳۹۴: ۲۰). در نتیجه‌ی همراهی ایالات متحده، نقشه ی بریتانیا برای اینکه ایران را به کشوری تحت‌الحمایه ی خود تبدیل کند، ناکام ماند (میلسپو، ۱۳۷۰: ۶۲-۶۱). با سقوط رضا شاه و روی کار آمدن محمدرضا شاه، حمایت امریکا از ایران اهمیتی دو چندان یافت. از طرفی ایران نیاز داشت تا از اجرای توافق‌نامه ی سه‌جانبه ی تهران که در آن بر خروج نیروهای متفقین در پایان جنگ جهانی دوم و تأمین خسارت‌های وارده بر ایران تأکید شده بود، اطمینان حاصل نماید. در همین راستا زمانی که در پایان جنگ جهانی دوم، اتحاد جماهیر شوروی از تخلیه ی ایران بر طبق توافق سه‌جانبه سر باز زد، ترومن -رئیس جمهور ایالات متحده- در بیانیه ی شدیدالحنی اعلام کرد که در صورت عدم خروج نیروهای شوروی، ایالات متحده با اعزام نیرو به ایران با آنها مقابله خواهد کرد و در نتیجه ی این اقدام، شوروی در سال ۱۳۲۵ سربازانش را از ایران خارج نمود. از سوی دیگر کمک‌های نظامی امریکا به ایران در قالب برنامه ی اصل ۴ ترومن در سال ۱۳۲۶ مبنای رشد روابط اقتصادی و نظامی دو کشور شد (موسویان، ۱۳۹۳: ۶۵-۶۳).

<sup>۱</sup>-Howard Baskerville

<sup>۲</sup>-American Memorial School in Tabriz

<sup>۳</sup>-William Morgan Shuster

<sup>۴</sup>-Samuel Jordan

<sup>۵</sup>-Arthur Millspaugh

<sup>۶</sup>-American Persian Relief Commission

## ۲-۱. دوره ی ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷

ملی شدن صنعت نفت نقطه ی عزیمت کشور به سوی استقلال اقتصادی و سیاسی بود که آثار و پیامدهای این واقعه یکی از عمیق‌ترین آثار را بر حافظه ی تاریخی ایرانیان به جای گذاشت. با این رویداد، نقطه عطفی در روابط دو کشور شکل گرفت و تنش تاریخی سنگینی در روند ارتباط بعدی دو کشور به وجود آمد. این کودتا محوری‌ترین رویداد شکل دهنده به روابط دو کشور در دهه‌های گذشته بود که روانشناسی جامعه ی ایران را تغییر داد و تصویر مثبت ایرانی‌ها از ایالات متحده را تخریب کرد (موسویان، ۱۳۹۳: ۶۸-۶۷). در این دوره از طرفی شاهد توسعه ی همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی - امنیتی دو کشور و از طرف دیگر رخده شدن وجهه ی مثبت امریکا در میان مردم، بسیاری از روشنفکران و مذهبیبون هستیم. در نهایت در حالی که وجه ظاهری، از جامعه‌ای در حال رشد و باثبات خبر می‌داد، اما وجه دیگر جامعه ی ایران، تکوین پدیده‌های فرساینده ی قدرت حکومت بود که سرنوشت دیگری را برای جامعه ی ایران رقم زد (اسدی و تهرانیان، ۱۳۹۶: ۱۴).

## ۳-۱. دوره ی ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶

یکی از نقاط عطف در روابط دو کشور، اشغال سفارت امریکا در تهران و گروگان‌گیری کارکنان آن بود که دو هدف مهم را به دنبال داشت. از طرفی به باور مردم و مسئولان نظام، دست امریکا از ایران و انقلاب کوتاه شد و از طرف دیگر، تنها یک روز پس از آغاز بحران گروگان‌گیری و در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ با استعفای دولت موقت مهندس بازرگان، دست نیروهای غرب‌گرا از صحنه ی سیاسی کشور کوتاه شد و آنها به حاشیه رانده شدند (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۴: ۳۱۶-۳۱۵).

یکی دیگر از نقاطی که از منظر رهبران و مردم ایران، ایالات متحده علیه منافع نظام ایران اقدام کرده حمله ی عراق به ایران است. رهبران و مردم ایران دو دلیل را شاهد این ادعا می‌دانند: اولاً ناتوانی امریکا در جلوگیری از سقوط نظام منتصب به متحد دیرینش (محمدرضا شاه) به شدت به اعتبار امریکا ضربه زد و دوم ماجرای گروگان‌گیری کارکنان سفارت امریکا در تهران به نوعی تحقیر چهره ی ایالات متحده بود و این کشور را وادار به ترغیب و تهییج عراق در حمله به ایران کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۳۳۵-۳۳۴). یکی از فرصت‌های ایران برای تقلیل مواجهه با امریکا، ماجرای مک فارلین، فرستاده ی ریگان، به منظور مذاکره در فروش تسلیحات به تهران بود که با عدم پذیرش ایران و افشای آن توسط نشریه ی لبنانی الشراع، منجر به بزرگ‌ترین رسوایی در تاریخ امریکا پس از ماجرای واترگیت شد (تخشید و علوی، ۱۳۹۵: ۸۳-۸۲). تصویب قانون تحریم ایران و لیبی یا ایلسا<sup>۱</sup> یکی از مهمترین تحریم‌هایی بود که براساس آن ایالات متحده اعلام کرد شرکت‌های خارجی که بیش از ۲۰ میلیون دلار در صنایع نفت ایران سرمایه‌گذاری کنند، تحریم خواهند شد. از سوی دیگر در دی ماه همان سال، کنگره ی امریکا قانونی را مصوب کرد که به اختصاص ۱۸ تا ۲۰ میلیون دلار بودجه برای حمایت از عملیات پنهان علیه حکومت ایران منتهی شد (موسویان، ۱۳۹۳: ۲۱۴-۲۱۱).

## ۴-۱. دوره ی ۱۳۷۶ تاکنون

1- Iran and Libya Sanctions Act (ILSA)

اعلام بی سابقه‌ترین موضع آشتی‌جویانه در قبال نظام ایران پس از انقلاب را مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه ی آمریکا در اسفند ۱۳۷۸ در سخنرانی در انجمن ایران و آمریکا اتخاذ نمود و با تمجید از جایگاه و منزلت فرهنگی ایران به نقش آمریکا در سرنگونی دولت دکتر مصدق اذعان کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۴۷۰).

در این دوره یکی از پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین کشمکش‌های بین‌المللی پس از جنگ سرد، با افشای تأسیسات غنی‌سازی ایران در مرداد ۱۳۸۱ به وقوع پیوست. مناقشه‌ای که سیزده سال به طول انجامید و شدیدترین و بی‌سابقه‌ترین تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل در قالب قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ علیه ایران اعمال گردید (موسویان، ۱۳۹۴: ۵۴۵-۳۳۰). این مناقشه سرانجام در ۲۳ تیر ماه ۱۳۹۴ با توافق بین ایران و گروه ۵+۱ (چین، روسیه، فرانسه، انگلیس، آمریکا و آلمان) و به دنبال آن قطعنامه ی ۲۲۳۱ شورای امنیت به سرانجام رسید (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴: ۲۵-۱۷). اما با روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا، وی وعده ی انتخاباتی خود در خصوص خروج از برجام را سرانجام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ عملی ساخت و آینده ی شکننده‌ای را برای این توافق پیش روی ایران و ۴+۱ کشورباقی‌مانده در برجام قرارداد.

## ۲. عوامل جغرافیایی

### ۲-۱. اهمیت و جایگاه جغرافیایی ایران

ژئوپولیتیک ایران: ژئوپولیتیک<sup>۱</sup> از تخصصی‌ترین و با اهمیت‌ترین واژگان روابط بین‌الملل است که در زبان فارسی به دانشی گفته می‌شود که نقش عوامل محیط جغرافیایی را در سیاست ملل بررسی می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۲۷). عمده‌ترین این عوامل در خصوص ژئوپولیتیک ایران از این قرارند:

وسعت سرزمینی: وسعت از عوامل مهم و مؤثر در ژئوپولیتیک کشورهاست و ایران با دارا بودن  $\frac{1}{27}$  وسعت قاره ی آسیا و جایگاه دوم (پس از عربستان) در خاورمیانه از امتیاز ویژه‌ای برخوردار است (حاتمی راد، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

جمعیت: جمعیت نیز از عوامل مهم و مؤثر در ژئوپولیتیک کشورهاست و در دوران صلح یا جنگ عامل عمده‌ای در سنجش قدرت یک واحد سیاسی تلقی می‌شود؛ به گونه‌ای که اگر جمعیت فعال (۲۰ تا ۶۵ سال) بیش از ۳۵ درصد جمعیت یک کشور را تشکیل دهد، این کشور از پشتوانه ی استراتژیک برای حفظ امنیت، ثبات سیاسی و توسعه ی اقتصادی برخوردار می‌باشد (ربیعی، ۱۳۶۲: ۱۹). ایران با دارا بودن یکی از جوان‌ترین جمعیت‌های دنیا از امکان مناسبی در این حوزه نیز برخوردار است.

منابع انرژی: قدرت‌های برتر جهان در قرن ۲۱ از منظر ژئوپولیتیک، کشورهایی هستند که بتوانند بر منابع و خطوط عرضه و انتقال انرژی تسلط داشته باشند.

<sup>1</sup>-Geopolitics

**عمق استراتژیک:** شکل جغرافیایی ایران (چهار ضلعی نامنظم) و وسعت آن به گونه‌ای است که قطر شمال غربی به جنوب شرقی ۲۲۵۰ کیلومتر و قطر شمال شرقی به جنوب غربی ۱۴۰۰ کیلومتر، عمق ویژه‌ای به موقعیت استراتژیک ایران بخشیده است. از منظر نظامی اشغال و تصرف کشورهای پهناور با عمق استراتژیک تقریباً غیر ممکن است.

**موقعیت دریایی و گذرگاهی:** ایران با قرار گرفتن در منطقه‌ی حسّاس و استراتژیک خلیج فارس، طولانی‌ترین و گسترده‌ترین سواحل را در بین کلبه‌ی کشورهای خلیج فارس و دریای عمان با ۱۶۰۰ کیلومتر داراست.

**موقعیت ترانزیتی:** با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نقش حمل و نقل و ترانزیت ایران بار دیگر به شدت افزایش یافت؛ چرا که از ۲۹ کشور محصور خشکی در جهان، هفت کشور قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، آذربایجان و ارمنستان به راه‌های ایران دسترسی آسان دارند (حاتمی راد، ۱۳۸۵: ۱۵۱-۱۵۰).

**ژئواستراتژی ایران:** دومین حوزه‌ای که در ادامه به آن پرداخته می‌شود، حوزه‌ی ژئواستراتژیک<sup>۱</sup> ایران است. مفهوم استراتژی مفهومی نظامی-امنیتی است که از ریشه‌ی یونانی استراگوس<sup>۲</sup> به معنای فرمانده‌ی لشکری و کشوری گرفته شده است. آندره لویی در تعریفی ساده، ژئواستراتژی را یک روش اقدام سیاسی در فضای جغرافیایی می‌داند (رفیع، ۱۳۸۷: ۱۰۶-۱۰۵). اندیشمندان متفاوت، دسته‌بندی‌های مختلفی از قلمروهای ژئواستراتژیک ارائه داده‌اند؛ از منظومه‌های ششگانه‌ی برژینسکی تا قدرت‌های درجه‌ی اول و درجه‌ی دوم هانتینگتون و قطبهای قدرت نظامی، ثروت و جمعیت کوهن که به نوعی در همه‌ی آنها منطقه‌ی خاورمیانه و یا ایران در جایگاه ویژه‌ای قرار دارد (رحیم‌پور، ۱۳۸۱: ۵۳-۵۱).

**ژئواکونومی ایران:** سومین حوزه‌ی مورد بررسی در این بخش، حوزه‌ی ژئواکونومیک ایران است. در یک بررسی کلی پارامترهای تعیین‌کننده‌ی ژئواکونومی<sup>۳</sup> ایران را می‌توان سه عامل به شرح زیر دانست:

نقش بی‌بدیل ترانزیتی در پیوند شرق به غرب و شمال به جنوب اهمیت در تأمین انرژی جهان (دومین ذخایر گاز و چهارمین ذخایر نفت جهان) و تأثیر به‌سزا در انتقال انرژی از دریای خزر و خلیج فارس عدم امکان جایگزینی استراتژیک به دلیل برخورداری از ۸۰۰ کیلومتر ساحل در شمال و ۱۶۰۰ کیلومتر ساحل در جنوب (مینایی، ۱۳۸۴: ۱۸).

**ژئوکالچر ایران:** چهارمین حوزه‌ی مورد بررسی در این بخش، حوزه‌ی ژئوکالچر<sup>۴</sup> یا ژئوپولیتیک فرهنگی است که عبارتست از فرآیندهای پیچیده‌ای از تعاملات قدرت، فرهنگ و محیط جغرافیایی که طی آن فرهنگ‌ها همچون سایر پدیده‌های نظام اجتماعی همواره در حال شکل‌گیری، تکامل، آمیزش و جابه‌جایی در جریان زمان و در بستر جغرافیایی کره‌ی زمین هستند (حیدری، ۱۳۸۴: ۹۴).

## ۲- نقش ایران در پرونده‌های منطقه‌ای

غرب آسیا همواره به عنوان منطقه‌ای بحران‌زا و بحران‌خیز در سالهای پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مطرح است. عمده‌ی کشورهای این منطقه درگیر سطوحی از بحران بوده و هستند اما در برخی کشورها این بحران‌ها دیرپاتر و با تأثیرات عمیق‌تر

1-Geostrategic

2-Strageous

3-Geoeconomy

4-Geoculture

بوده و در برخی، بحران‌ها زودگذر و سطحی است. اگرچه بحران‌های غرب آسیا دارای ویژگی‌های اختصاصی هستند که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند اما در بحران‌های عمیق و طولانی مانند افغانستان، عراق، سوریه و یمن، درگیری و جنگ نظامی وجود دارد.

از طرف دیگر، شکل‌گیری حزب‌الله لبنان متأثر از اندیشه‌های اسلام سیاسی و امام خمینی، شکل‌گیری نیروهای حشدالشعبی، سپاه بدر، عصائب الحق و حزب الله عراق؛ تشکیل گروه‌هایی مانند لشکر فاطمیون و کمک‌های مستشاری ایران در سوریه، فعالیت‌های نیروهای انصارالله یمن، برخی از نمودهای حضور ایران در بحران‌های منطقه است (بهمن، ۱۳۹۶: ۱۹-۱۶). منافع ایران و آمریکا در هر کدام از این موضوعات از ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی برخوردار است و گرچه در برخی موضوعات شاهد عدم تعارض منافع ولو در گفتار هستیم اما در برخی موضوعات تضاد شدید منافع دو کشور مشهود است.

### ۳. عوامل نظری

#### ۳-۱. موضوع تروریسم

امروزه یکی از مهم‌ترین معضلات و چالش‌های جامعه جهانی، مسأله‌ی تروریسم است. تروریسم در عرصه‌ی بین‌المللی به علت پیچیدگی مفهوم و مصادیق آن با نوعی «بحران معنا» در تعریف و تحدید قلمرو مواجه شده است. این موضوع منجر به شکل‌گیری استاندارد دوگانه در برخورد با این مقوله شده و گاه از آن در توصیف اعمال دولت‌ها، گاه در تعریف اقدامات انقلابی و یا به عنوان روشی در مبارزات ضداستعماری با دو بار معنایی مثبت و منفی استفاده می‌شود (علی‌اکبری، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

اگرچه پیشینه قرار گرفتن ایران به عنوان دولت حامی تروریسم در آمریکا به ۲۹ دی ماه ۱۳۶۲ بر می‌گردد، اما تعداد و نوع اتهامات دو کشور نسبت به یکدیگر در سالیان اخیر تسری یافته است (موسویان، ۱۳۹۳: ۴۰۶-۴۰۵). دو کشور تروریسم را در اشکال فردی و کشوری محکوم می‌کنند اما در تعریف از تروریسم و بالطبع شناسایی گروه‌های تروریستی با هم اختلاف نظر دارند.

#### ۳-۲. موضوع حقوق بشر

حقوق بشر از نظر بسیاری از صاحب‌نظران عبارت از حقوقی است که لازمه‌ی طبیعت انسان است؛ حقوقی که قبل از شکل‌گیری دولت‌ها وجود داشته و مافوق اقتدار دولتهاست. برخی نیز حقوق بشر را آن دسته از حقوقی می‌دانند که انسان‌ها به دلیل انسان بودن و فارغ از اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت فردی او، از آن برخوردارند. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر که طی قطعنامه‌ی ۲۱۷ مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۴۸ و در ۳۰ ماده تصویب شد، معیار مشترکی برای تمام اقوام و ملت‌ها معرفی نمود که تمام کشورها بر اساس عرف بین‌الملل ملزم به اجرای مفاد آن شدند (ساداتی‌نژاد و ترکاری، ۱۳۹۳: ۶۴-۶۲).

هویت، هنجارها و ارزش‌های بین‌ذهنی که جمهوری اسلامی برای خود ترسیم کرده در مواردی با آنچه آمریکا به عنوان هویت خود تعریف کرده است، تضاد دارد و بر همین اساس ایران در نگاه ایالات متحده در حوزه‌ی نقض حقوق بشر و

فقدان ارزش‌های مردم‌سالارانه مورد انتقاد بوده است (ساداتی‌نژاد و ترکاری، ۱۳۹۳: ۷۴-۶۶). در سوی دیگر، ایران بر سیاسی بودن موضوع حقوق بشر تأکید می‌کند و سوابق حقوق بشر غربی‌ها در خاورمیانه را یادآور می‌شود.

### ۳-۳. تضادهای ایدئولوژیک

واژه‌ی ایدئولوژی اوکین بار توسط فیلسوف فرانسوی-دوتریسی<sup>۱</sup> در قرن نوزدهم به کار رفت و منظور از آن «مطالعه‌ی ایده‌ها» بود اما آنچه امروزه به عنوان ایدئولوژی شناخته می‌شود ابزارهایی است برای توجیه الگوهای رفتاری، اهداف و باورهای یک گروه یا یک جامعه (عضدانلو و غلامی، ۱۳۸۶: ۴۷).

در خصوص روابط ایران و آمریکا تنها یک اصطکاک عمیق سیاسی وجود ندارد بلکه تقابل و تنازع دو کشور در اعماق گفت‌وگوهای حاکم بر آن دو است. در واقع ما با دو جهان‌بینی و گفتمان با رویکردهای ایدئولوژیک مواجهیم که رو در روی یکدیگر قرار گرفته‌اند و در این رویارویی، ایران پرچمدار ایدئولوژی اسلامی ناشی از آموزه‌های مذهب تشیع و آمریکا پرچمدار لیبرال دموکراسی و سکولاریسم است (جعفری موحد، ۱۳۹۴: ۱۱۹).

### ۴. نظام بین‌الملل و سایر کشورها

#### ۴-۱. آینده‌ی نظام بین‌الملل

نظام بین‌الملل، محیطی است که در آن، واحدهای سیاست بین‌الملل عمل می‌کنند؛ به گونه‌ای که رفتارها، جهت‌گیری‌ها، نیات و خواسته‌های واحدهای مزبور از نظام بین‌الملل تأثیر می‌پذیرند (قوام، ۱۳۷۲: ۲۹).

با انقلاب اسلامی ایران نظام بین‌الملل با یک چالش جدید مواجه شد و سیستم توازن منطقه‌ای از میان رفت و در نتیجه‌ی آن حضور مستقیم آمریکا در منطقه شکل گرفت. نظام ایران همواره خواستار سیستم دفاعی و امنیتی منطقه‌ای بدون دخالت و حضور نیروهای بیگانه بوده و با حضور قدرت‌هایی مانند آمریکا و شوروی مخالفت کرده است (ستوده، ۱۳۸۰: ۱۷۵-۱۷۳). نحوه‌ی تعامل، ائتلاف و یا اتحاد ایران با کشورهای مختلف از روابط دو جانبه با ایالات متحده و یا چند جانبه‌ی سایر کشورها با آمریکا تأثیر پذیرفته و یا بر آن تأثیر می‌گذارد. مهمترین کشورهای مرتبط بر روابط ایران و آمریکا در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**روابط ایران و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس:** در کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس، عربستان از نقش ویژه‌ای برخوردار است. رقابت‌های ایران و عربستان در دو بعد تاریخی و راهبردی قابل بررسی است. یعنی در عین رقابت ژئوپولیتیک‌ی و امنیتی در فضای منطقه‌ای خاورمیانه، دو کشور در وضعیت تضاد راهبردی قرار گرفته‌اند. نقش قدرت‌های بزرگ، بازیگران منطقه‌ای، بحران‌های محیطی و نیروهای گریز از مرکز در این حوزه قابل تعریف است. همچنین، فضای آنارشی منطقه‌ای تحت تأثیر ادبیات و فرآیند موازنه‌ی قدرت قرار دارد و البته با تغییرات و دگرگونی‌هایی نیز روبه‌رو می‌شود که در آن نشانه‌هایی از هویت‌گرایی نیز قابل مشاهده است (مصطفی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۸۲-۱۰۸۱).

<sup>1</sup>-Des tutt de Tracy



**روابط ایران و روسیه:** در راستای تأمین منافع ملی و تحت تأثیر ساختار و عملکرد نظام بین‌الملل، طیفی از رویکردها از تخا صم، رقابت و همکاری تا ائتلاف و اتحاد در روابط کشورها قابل تعریف است. راهبردی شدن روابط ایران و روسیه از منظر چند مؤلفه‌ی اساسی قابل بررسی است: بسیاری در ایران و روسیه معتقدند که سابقه‌ی منفی تاریخی بر روابط دو کشور سایه انداخته است و در نتیجه، دو کشور امکان دستیابی به یک رابطه‌ی راهبردی را ندارند. اما در حال حاضر ایران و روسیه دغدغه‌های مشترک و در نتیجه منافع مشترک بسیاری دارند که کنترل بحران‌های موجود در خاورمیانه، حفظ ثبات منطقه‌ای و سد نفوذ قدرت‌های بزرگ، برخی از این موارد است (بهمن، ۱۳۹۵: ۱۳۷-۱۱۸). به همین دلیل دو طرف در پی ارتقای روابط در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی برآمده‌اند که البته می‌تواند از چگونگی واکنش ایالات متحده تأثیر پذیرد و یا در مواردی بر آن تأثیر بگذارد.

**روابط ایران و چین:** روابط ایران و چین طی سالیان اخیر به شکل قابل توجهی گسترش یافت. به طوری که یکی از رویکردهای قابل برر سی، امکان توسعه‌ی مناسبات راهبردی در روابط دو کشور طی سالیان آتی است. اگرچه ایران و چین می‌توانند برای افزایش توان کارکردی خود، همکاری‌های گسترده‌ای داشته باشند اما نظام تحریم‌های ایران یکی از موانع توسعه‌ی این فرآیند است. از سوی دیگر فقدان تشابهات سیاسی و اقتصادی بین دو کشور به همراه تفسیر متفاوت از مقوله‌ی امنیت در نظام بین‌الملل موجب می‌شود که فرآیند همگرایی دو کشور به سهولت محقق نشود (غفاری و شریعتی، ۱۳۸۷: ۹۱-۸۹) و با توجه به میزان مبادلات چین با اتحادیه‌ی اروپا و آمریکا به سختی می‌توان انتظار داشت ایران بتواند سهم قابل ملاحظه‌ای در حجم مبادلات چین به خود تخصیص دهد.

**روابط ایران و اتحادیه‌ی اروپا:** در بررسی تاریخ روابط میان اتحادیه‌ی اروپا و ایران، برخی عوامل همچون پرونده‌ی هسته‌ای ایران، موضوعات مربوط به حقوق بشر، تروریسم و تحریم‌های اعمالی علیه ایران از جمله مشکلات پیش روی این روابط است. آنچه روابط ایران و اروپا را از آمریکا متمایز می‌سازد، باز گذاشتن مسیر تعامل حتی پس از اعمال شدیدترین تحریم‌ها است؛ به طوری که اروپا تلاش کرده است با توجه به ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری موجود در ایران، روابط خود با این بازیگر مؤثر منطقه‌ای را حفظ کند تا پس از فراهم شدن شرایط نسبت به تقویت آن نیز اقدام نماید (گوهری مقدم و سرهنگ پور، ۱۳۹۵: ۵۴).

#### ۴-۲. کشورهای مزاحم روابط

**اسرائیل:** همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، ناگهان متحد اصلی اسرائیل در منطقه به دشمن شماره‌ی یک آن تبدیل شد و مخالفت با اسرائیل از اجزای اصلی هویت جمهوری اسلامی گردید. از سوی دیگر حمایت‌های همه‌جانبه‌ی آمریکا از اسرائیل به نحوی گسترده و با ثبات است که بسیاری از تحلیل‌گران در جهت تفهیم اهمیت اسرائیل برای آمریکا، از آن به صورت یکی از ایالت‌های آمریکا یاد می‌کنند فارغ از علل تضادهای ایران و اسرائیل و علل همکاری و تفاهم آمریکا و اسرائیل، اسرائیل در

سطح ثانویه نیز بر روابط ایران و امریکا اثرگذار بوده است؛ چرا که بسیاری از عوامل مؤثر بر روابط ایران و امریکا به نحو مستقیم با امنیت اسرائیل پیوند خورده است (قنبرلو، ۱۳۸۷: ۱۵۴-۱۴۳).

**عربستان سعودی:** منابع خدادادی و موقعیت جغرافیایی منجر به شکل‌گیری ویژگی‌های ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوپولیتیکی منطقه‌ای خاص ایران و عربستان و در نهایت اهمیت دو کشور در جهان اسلام، باعث شده است تا روابط دو کشور، علاوه بر سطوح منطقه‌ای از سطوح فرامنطقه‌ای نیز تأثیر پذیرفته و یا بر آنها تأثیر بگذارد. منافع ملی دو کشور از طریق نفوذ در مناطق دچار خلأ قدرت، تعارضات ایدئولوژیک، رقابت نظامی و تسلیحاتی و رقابت‌های اقتصادی از جمله عوامل واگرایی منافع دو کشور هستند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از روابط با ایالات متحده تأثیر پذیرفته یا بر آن تأثیرگذار است (ازغندی و آفعلیخانی، ۱۳۹۲: ۲۲۷-۲۲۶ و دارابی و کاظمی، ۱۳۹۵: ۱۵).

**ترکیه:** بیش از چهار قرن است که مرادوات ایران با عثمانی و سپس ترکیه به رغم همه‌ی فراز و نشیب‌هایش تداوم داشته است. سه عنصر «همکاری»، «رقابت» و «تعارض» عناصر اصلی این ارتباط هستند. به طور نسبی در همه‌ی مقاطع تاریخی، تجارت و مسائل اقتصادی مهمترین عامل پیوند و ارتقای مناسبات دو کشور بوده است. تحولات مرتبط با استقرار سیستم دفاع موشکی، تحولات حوزه‌ی خزر و مسأله‌ی انرژی، حضور و نفوذ در منطقه‌ی قفقاز جنوبی، پرونده‌ی هسته‌ای ایران و تحولات غرب آسیا در پرونده‌های منطقه‌ای مانند سوریه و عراق از جمله مهم‌ترین موضوعات محلّ چالش در تعاملات ایران، امریکا و ترکیه است (وثوقی و رضایی، ۱۳۹۴: ۲۱۴-۱۹۷).

#### ۵. نهادهای رسمی و غیر رسمی

در این بخش نقش مؤثرترین نهادهای رسمی و غیر رسمی ایران و امریکا در شکل‌دهی به مناسبات دو کشور بررسی می‌شود.

#### ۵-۱. نهادهای رسمی و غیر رسمی ایران

##### ۵-۱-۱. رهبری

رهبران ملی که از اختیار سیاست‌گذاری و قدرت تصمیم‌گیری برخوردارند، نقش بسیار مهمی در تعیین و تعریف سیاست خارجی کشور ایفا می‌کنند. این نقش در نظام‌هایی چون ایران پررنگ‌تر و در نظام‌های تک‌نگرایی مانند ایالات متحده، به‌رغم قدرت زیاد رئیس‌جمهور، براساس قانون اساسی محدود است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۷۰).

شاید بتوان سه عنصر مهم و مرتبط با هم را در رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به ایالات متحده بر شمرده که طی سی سال گذشته بر روابط دو کشور سایه انداخته است:

۱. ایشان بر این باور است که فارغ از همه‌ی تاکتیک‌ها، امریکا در رابطه با ایران شدیداً تحت تأثیر لابی طرفدار اسرائیل است و رئیس‌جمهور امریکا هیچ اختیاری در سیاست خارجی ایالات متحده ندارد.
۲. ایشان بی‌اعتمادی فوق‌العاده‌ای نسبت به سیاست امریکایی‌ها داشته که در سایه‌ی اسناد ضبط شده از سفارت امریکا تشدید شد.

۳. ایشان به حکومت و نظام آمریکا به عنوان نظامی معتاد به استکبار می‌نگرد و احساس می‌کند اگر کشوری قدرتمند نباشد آنگاه رابطه‌ی ارباب-رعیتی تنها نوع رابطه‌ای است که آمریکا آمادگی پذیرش آن را دارد (موسویان، ۱۳۹۳: ۲۷۷-۲۷۶).

#### ۵-۱-۲. قوه‌ی مجریه

طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهور پس از مقام رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه‌ی مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۴: ۲۶۵-۲۶۳). رئیس‌جمهور و هیأت وزیران توانسته‌اند نقش محدودی در فرآیند روابط ایران و آمریکا داشته باشند؛ به ویژه این فرآیند در زمان دستیابی به توافق هسته‌ای قابل تأمل است.

#### ۵-۱-۳. قوه‌ی مقننه

قوه‌ی مقننه‌ی ایران از دو رکن مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تشکیل شده که اولی رکن اصلی و دومی رکن مکمل آن است. دو نقش مجلس شورای اسلامی در فرآیند پایان‌گروگان‌گیری کارکنان سفارت آمریکا در تهران و تصویب برنامه‌ی جامع اقدام مشترک (برجام)، نقاط تأثیرگذاری در مناسبات چهل سال گذشته‌ی دو کشور است.

#### ۵-۱-۴. قوه‌ی قضائیه

یکی از عرصه‌های حضور قوه‌ی قضائیه در سیاست خارجی، موضوع حقوق بشر است که یکی از دیرپاترین چالش‌های موجود بین ایران با اروپا، سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر و ایالات متحده است و ایران طی سالیان مختلف متناوباً به نقض حقوق بشر از جمله حقوق زنان و حقوق سیاسی-اجتماعی شهروندان از سوی آمریکا متهم می‌شود (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۴: ۲۸۹-۲۸۸).

#### ۵-۱-۵. سایر نهادها و ارگانها

نیروهای مسلح: در نظام ایران اگرچه فرماندهی عالی و هدایت نیروهای مسلح در دست سیاستمداران غیرنظامی است، اما تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی ارتش و به ویژه سپاه پاسداران انکارناپذیر است (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۴: ۲۹۱-۲۹۰). نفوذ و گسترش نظامی سپاه، از زمان جنگ ایران و عراق و نفوذ و گسترش فعالیت‌های مالی و اقتصادی سپاه از زمان سازندگی آغاز شد به نحوی که امروزه به عنوان یک نیروی محافظه‌کار قدرتمند در بلوک قدرت ایران، مانع از حصول روابط مطلوب با ایالات متحده قلمداد می‌شود (Jesse, 2011: 165).

جناح‌های اصلی قدرت: اگرچه در نظام سیاسی ایران احزاب و گروه‌های متعددی وجود دارند اما به نوعی می‌توان نحوه‌ی رویکردهای احزاب جمهوری اسلامی را در دو طیف غالب قرار داد. در واقع در ۲۱ سال کابینه‌های هاشمی رفسنجانی، خاتمی و روحانی رویکرد غالب در تعامل با آمریکا «واقع‌گرایی پیش‌گیرانه» و در ۸ سال دوره‌ی احمدی‌نژاد رویکرد، «روی‌گرایی پیش‌دستانه» بوده است. در رویکرد اول، آمریکا الگویی موفق در نظام لیبرال-سکولار شناسایی شده و شأن و منزلت هژمونیک آن

در ساختار نظام بین‌الملل به رسمیت شناخته شده اما در رویکرد دوم زوال امپراتوری امریکا مفروض گرفته شده است که باید با تقویت «روحیه‌ی انقلابی» به مقابله با آن پرداخت (سیف‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۳۸-۱۳۶).

#### ۱-۵-۶. روحانیت شیعه

روحانیت شیعه یکی از بزرگ‌ترین و قدرتمندترین نهادهای سیاسی ایدئولوژیک در ایران است که تاکنون کمتر به ماهیت عملکرد و تأثیر آن در بستر اجتماعی ایران پرداخته شده است. جریان مقابله با امریکا یکی از جلوه‌های قطعی و مسلم این نهاد است؛ به طوری که موتور محرکه‌ی نهادهای سیاسی مقاومت در برابر امریکا، توسط ایشان تعریف شده است (موسویان، ۱۳۹۳: ۱۰۳-۱۰۰).

#### ۲-۵-۲. نهادهای رسمی و غیررسمی امریکا

##### ۱-۲-۵. رئیس‌جمهور

رئیس‌جمهور امریکا دارای اختیارات و سیعی است که حتی می‌تواند مصوبات کنگره را وتو کند. رئیس‌جمهور حق عزل و نصب وزرا، سفرا و روسای سازمان‌های دولتی را دارد. وزیران و معاون رئیس‌جمهور در جلسه‌ی کابینه، رأی مشورتی به رئیس‌جمهور می‌دهند و در نهایت تصمیم نهایی را رئیس‌جمهور می‌گیرد (مصلح‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۳-۱۶۱). خط‌مشی کلی سیاست خارجی توسط رئیس‌جمهور تعیین می‌شود و نوع نگاه وی به سیاست خارجی می‌تواند منجر به کاهش و یا افزایش تخصص در روابط ایران و امریکا باشد.

##### ۲-۲-۵. سایر نهادهای اجرایی

وزارت امور خارجه: مجری سیاست‌های رئیس‌جمهور در امور بین‌المللی است و نحوه‌ی تأثیر وزرای امور خارجه در شکل‌دهی به سیاست خارجی به صورت ویژه در نحوه‌ی تعامل با رئیس‌جمهور قابل تعریف است (سلیمی‌بنی، ۱۳۸۱: ۶۰-۵۹).

شورای امنیت ملی: شورای امنیت ملی برای هماهنگی فعالیت‌های اقتصادی، جاسوسی، دیپلماتیک و نظامی مورد نیاز به منظور حفظ و ارتقای امنیت ملی امریکا و متبجدهانش شکل گرفت که متشکل از رئیس‌جمهور، معاون رئیس‌جمهور، وزرای دفاع، امور خارجه و خزانه‌داری و رئیس سازمان سیا، رئیس ستاد مشترک و تعدادی از مشاوران شورای امنیت ملی است (امجد، ۱۳۹۴: ۱۸۱-۱۸۰). نقش شورای امنیت ملی در حمله‌ی ناکام امریکا به طبرس در این بخش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

آژانس اطلاعات مرکزی امریکا (سیا): مسئولیت جمع‌آوری، تحلیل و انتقال اطلاعات سیاست‌گذاران و دستگاه‌های اجرایی، اجرای عملیات سری و مخفی در عرصه‌ی بین‌المللی و روابط متقابل و یک طرفه با نهادها و تشکیلات سیاست‌گذاری را برعهده دارد (سلیمی‌بنی، ۱۳۸۱: ۶۱).

وزارت خزانه‌داری: مأموریت این وزارت‌خانه ایجاد اقتصادی قوی و تولید فرصت‌های شغلی و اقتصادی با ارتقای شرایط رشد اقتصادی و تعادل داخلی و خارجی، تقویت امنیت ملی با نبرد با تهدیدات و حفاظت از یکپارچگی سیستم اقتصادی و مدیریت مؤثر و کارای پول و منابع می‌باشد. آنچه که در روابط ایران و امریکا از نقش ویژه‌ای برخوردار است، «اداره کل دارایی‌های خارجی» این

وزارتخانه است که مسئولیت اصلی رصد و بررسی عملکرد بهینه ی تحریم‌ها علیه کشورهای هدف را بر عهده دارد (علوی و امیری، ۱۳۹۵: ۷۴).

### ۵-۲-۳. احزاب

ایالات متحده مبتنی بر نظام دو حزبی است و احزاب سوم هرگز نتوانسته‌اند در این کشور پا بگیرند (امجد، ۱۳۹۴: ۹۹). دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه اگر چه در راهکارها تفاوت‌هایی در نحوه ی تقابل با ایران دارند اما در راهبردها (استراتژی‌ها) دارای رویکرد واحدی هستند به طوری که دموکرات‌ها فرآیند تدریجی برای ضربه زدن به نظام ایران را در کانون اقدامات خود قرار داده‌اند و در مقابل جمهوری‌خواهان با توسل به جنبه ی سخت قدرت کوشیده‌اند با تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی و حتی با طرح گزینه‌های نظامی به نتایج فوری دست یابند (عنادی، ۱۳۸۵: ۳۳۱-۳۳۰).

### ۵-۲-۴. کنگره

کنگره ی آمریکا از دو مجلس نمایندگان و سنا تشکیل شده است که با دو حوزه می‌تواند بر سیاست خارجی آمریکا اثرگذار باشد. حوزه ی اول استفاده از ابزار تحریم است که قانون تحریم ایران و لیبی (ایلسا)، قانون منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایران، سوریه و کره شمالی، قانون اختیار دفاع ملی، قانون جامع تحریم پاسخگویی و محدودیت ایران، قانون آزادی و منع گسترش تسلیحاتی ایران و در نهایت قانون کاتسا از نمودهای مقابله با ایران است. حوزه ی دوم اعلان جنگ بر علیه سایر کشورهاست (مافی، ۱۳۸۵: ۶۶ و علوی و امیری، ۱۳۹۵: ۸۱-۷۷) که می‌تواند در مواجهه ی نظامی به‌ویژه در دولت فعلی از نقش مهمی برخوردار باشد.

### ۵-۲-۵. لابی‌ها و مؤسسات مطالعاتی

تصمیم‌گیری در ساختار سیاسی آمریکا کار پیچیده‌ای است؛ چرا که جدا از رئیس‌جمهور و کنگره به عنوان تصمیم‌گیرندگان رسمی، شبکه ی متنوعی از سازمان‌های غیررسمی در قالب مؤسسات پژوهشی، لابی‌ها، احزاب، افکار عمومی و گروه‌های ذی نفوذ نیز در تلاشند تا در فرآیند سیاست‌گذاری اثرگذار باشند (متقی و فقیه، ۱۳۹۲: ۴).

**لابی‌ها:** یکی دیگر از نهادهای غیررسمی تأثیرگذار بر روند سیاست خارجی آمریکا لابی‌ها هستند. در میان لابی‌های مختلف آمریکا، کمیته ی روابط عمومی آمریکا و اسرائیل (ایپک) در خصوص نحوه ی تقابل با ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. لابی یهود توانسته به نحو قابل توجهی بر تیرگی روابط ایران و آمریکا تأثیرگذار باشد و نقش کلیدی در برخوردهای قهرآمیز ایالات متحده علیه ایران داشته باشد (قاسمی، ۱۳۸۸: ۷۰-۶۰). ایجاد تأخیر، بازدارندگی و مهار با استفاده از روش‌های مختلف از استقرار و بهبود سیستم ضد‌موشکی و تشدید مجازات و تهدید تا اقدامات پیشگیرانه ی نظامی و عملیات‌های پنهان و در نهایت اجبار به عقب‌نشینی از برنامه ی هسته‌ای با ابزارهای مختلف بخشی از استراتژی‌های بلندمدت این نهاد در برابر ایران است (ابوالحسن‌شیرازی و ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۶۴-۱۶۲).

**مؤسسات مطالعاتی:** مؤسسات مطالعاتی و اتاق‌های فکر، تشکیلاتی برای تحلیل و پژوهش سیاسی محسوب می‌شوند که تحلیل سیستماتیک در مورد موضوعات مرتبط با سیاست داخلی و بین‌المللی جهت اتخاذ تصمیمات آگاهانه و با کیفیت را در اختیار نهادها

قرار می‌دهند (لب‌خنده و کریمی فرد، ۱۳۹۵: ۶۵). از ابتدای انقلاب، اتاق‌های فکر نسبت به اتخاذ رویکردهای مشخص نسبت به ایران اقدام کرده‌اند که در یک نوع دسته‌بندی می‌توان از چهار رویکرد کلان درباره‌ی ایران یاد کرد:

۱. رویکرد سازش: ترکیبی از مصالحه و معامله با هدف ترغیب ایران به همکاری با غرب.
۲. رویکرد جنگ: که این رویکرد بیش از هر چیز تحت تأثیر لابی اسرائیل در امریکا قرار دارد. این رویکرد می‌تواند به دو شکل جنگ نیابتی و یا حمله‌ی نظامی پیش‌دستانه تجلی یابد.
۳. رویکرد تغییر از درون (براندازی نرم): استفاده از ابزار روانی با بهره‌گیری از اینترنت و فضای مجازی برای زیر سؤال بردن مشروعیت نظام سیاسی.
۴. رویکرد پذیرش و بازدارندگی: طرفداران این رویکرد معتقدند جایی که دیگر رویکردها جواب ندهد این رویکرد آخرین شانس است که البته بیشتر حول محور برنامه‌ی هسته‌ای ظهور و بروز می‌یابد (لب‌خنده و کریمی فرد، ۱۳۹۵: ۷۵-۷۰).

## ۶. عوامل اقتصادی

وجود منابع عظیم انرژی فسیلی در منطقه‌ی خاورمیانه و خلیج فارس از مهم‌ترین فاکتورهای تأثیرگذار در روابط قدرت‌های بزرگ و رقابت آن‌ها برای تسلط بر این منطقه‌ی استراتژیک و به‌ویژه ایران است. با استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، دامنه‌ی ژئوپولیتیک ایران علاوه بر جنوب در شمال نیز گسترش یافت. قرار گرفتن در حد فاصل دو منطقه‌ی نفت‌خیز در شمال و جنوب و اهمیت ایران در تأمین مسیر انتقال انرژی، اهمیت ایران برای غرب و به‌ویژه امریکا را دو چندان کرد (منصوری، ۱۳۸۲: ۹۱-۹۰). در حوزه‌ی مبادلات پولی و مالی اگرچه با گشایش‌های انجام شده پس از توافق برجام دستاوردهای مهمی برای نظام پولی و مالی ایران حاصل گردید (موسوی‌شفائی و نقدی، ۱۳۹۴: ۱۴۷)، اما پس از خروج از برجام، رفته رفته گشایش‌های ایجاد شده کمرنگ شده و سایه‌ی تحریم بر مبادلات مالی و پولی ایران با جهان پررنگ می‌شود. در حوزه استفاده از فناوری نیز در شرایطی که عمده‌ی فناوری موجود در حوزه‌های مختلف کشور مبتنی بر فناوری انقلاب دوم صنعتی است، عمده‌ی کشورهای جهان با شتاب گسترده‌ای به سوی استفاده از فناوری حاصل از انقلاب چهارم صنعتی در حرکت هستند (مجله الکترونیکی علمی- تخصصی ایکد، ۱۳۹۷).

## ۷. عوامل فرهنگی اجتماعی

نقش رسانه‌های گروهی در شکل‌دهی به دنیای ذهنی انسان‌ها، و در تولید، توسعه و تقلیل تعارضات و تفاهات، نقش در خور توجهی است (ربیعی و احمدزاده نامور، ۱۳۸۷: ۳۸). در سوی دیگر، پدیده‌ای که اقتدار دولت‌ها را بویژه در هزاره‌ی جدید با چالش مواجه ساخته، نقش افکار عمومی است که به صورت تأیید یا مخالفت با یک عمل، نظر، شخص و یا واقعه به شکل یک خواسته، مطالبه، پیشنهاد و یا توصیه تجلی می‌یابد (پورخوش‌سعادت، ۱۳۹۴: ۱۲۹). تفاوت‌هایی بین واقعیت ذهنی ایرانیان و امریکایی‌ها در پدیده‌های واحد وجود دارد که بالطبع تا زمانی که این دو تصویر متفاوت به یکدیگر نزدیک نشوند، احتمالاً تغییر مسیر روابط دو کشور راه به جایی نخواهد برد. به نظر می‌رسد اگرچه نگاه ایرانیان به خصوص نسبت به دولت امریکا چندان مثبت نیست اما کششی نیز به سوی تقابل و رویارویی وجود ندارد. در سوی مقابل، نگاه امریکاییان نیز در مورد مردم ایران چندان منفی نیست و در مجموع نظر سنجی‌های داخلی و خارجی بیشتر ایرانی‌ها و امریکایی‌ها طرفدار حل و فصل مشکلات بین دو کشور از طریق مسالمت‌آمیز هستند (سلیمی، ۱۳۸۸: ۹۵-۱۱۲). در همین راستا گشایش در روابط مردم با

مردم را شاید بتوان به عنوان بهترین شروع برای عادی سازی روابط جستجو کرد. رفع محدودیت های مسافرت شهروندان برای امور تجاری، دانشگاهی و جهانگردی می تواند بسیار سازنده باشد.

#### ۸. توانمندی هسته ای و برنامه ی موشکی ایران

توافق ۲۳ تیر ماه ۱۳۹۴ ایران و گروه ۵+۱ یا برجام منجر شد که ایران از بسیاری از بخش های برنامه ی هسته ای خود در میان مدت چشم پوشی نماید. از سوی دیگر گروه ۵+۱ تعهد کردند کلیه ی تحریم های چند جانبه، یک جانبه و بین المللی ناشی از پرونده ی هسته ای ایران را لغو یا تعلیق نمایند (نیاکویی و قنادی، ۱۳۹۶: ۲۲۰). با خروج امریکا از برجام وضعیت شکننده ای پیش روی این توافق و آینده ی ایران با نظام جهانی وجود دارد که می تواند در بسیاری از حوزه ها تأثیرگذار باشد.

یکی دیگر از نگرانی های جامعه ی بین المللی در خصوص ایران، برنامه ی موشکی است هر چند عمده ی موشک های ایران دارای کاربرد تدافعی است اما از سوی دیگر ایران با تولید انواع موشک کوتاه برد، میان برد و دور برد یا قاره پیما و موشک های کروز و بالستیک سعی کرده بویژه پس از توافق برجام، ابعاد محدود کننده ی این توافق را با توسعه ی حوزه ی موشکی فعالیت خود، جبران کند (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۶۲-۶۱). اگرچه اروپا و آسیا به ظاهر در موضوع برجام با امریکا اختلاف نظر دارند و می کوشند ایران را در این توافق نگه دارند، اما در لزوم محدودیت های جدید برای برنامه ی موشکی ایران، اروپا و امریکا هم راستا بوده و در اجلاس ناتو در تیرماه ۱۳۹۷ بنابر اعلام مسئول مطبوعاتی ناتو، تمام ۲۹ کشور، از آزمایش های موشکی و فعالیت های بی ثبات کننده ی ایران در خاورمیانه ابراز نگرانی کرده و حمایت ایران از بازیگران غیردولتی مسلح را محکوم کرده اند که نمایانگر اجماع اعضای ناتو بر سر مسائل غیربرجامی ایران به رغم اختلافات شدید در سایر حوزه ها است.

#### نتیجه گیری

برای تدوین و تبیین راهکارهای حل بحران که قریب به نیم قرن به طول انجامیده است، نیازمند شناسایی عوامل مؤثر در شکل گیری، تداوم و بازتولید آن بحران هستیم. از همین روی بر اساس پرسش نامه های اخذ شده از نخبگان هشت حوزه ی اصلی، مشتمل بر ۷۷ توصیف گر شناسایی گردید تا جهت طراحی نقشه ی راه پایدار و جامع صلح در روابط دو کشور بتواند همه ی ابعاد موضوع را تبیین نماید. اگرچه بحران کنونی در روابط ایران و ایالات متحده پس از اشغال سفارت امریکا در تهران آغاز شد اما ریشه های فکری و تاریخی آن را باید در ۶۵ سال قبل و پس از دخالت امریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ساقط کردن دولت قانونی دکتر مصدق جستجو کرد. در این مقاله ابتدا به پیشینه ی تاریخی روابط دو کشور اشاره گردید و سپس اهمیت و جایگاه جغرافیایی ایران مورد بررسی قرار گرفت. در بعد نظری نیز سه حوزه مورد مناقشه یعنی تضادهای ایدئولوژیک، مسأله ی حقوق بشر و نوع تعریف و شناسایی گروه های تروریستی مورد بررسی قرار گرفت. اما طی سالیان گذشته نقش نظام بین الملل و آینده ی قطب های قدرت به همراه کشورهای مزاحم روابط، نقش بسیار تعیین کننده ای در تداوم تخصص در روابط دو کشور بوده است. در بعد درون حکومتی نیز نهادهای رسمی و غیررسمی متعددی بر چگونگی روابط دو

کشور تأثیرگذار هستند. نیاز ایران به دستیابی به فنآوری‌های نوین، مبادلات پولی و مالی جهانی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی از دیگر عوامل مؤثر بر روابط دو کشور است که تحت عنوان عوامل اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. عوامل فرهنگی و اجتماعی همچون نقش افکار عمومی دو کشور و شکل‌گیری و گسترش روابط مردم با مردم به عنوان گام نخست شکل‌گیری

روابط پایدار نیز از دیگر عوامل مؤثر می‌باشد. در نهایت فرجام برجام، نوع تعامل کشورها با این توافق‌نامه و اثرات خروج امریکا از آن از دیگر مسائل روز در روابط دو کشور است. به علاوه پرونده‌ی موشکی ایران اخیراً مورد توجه گسترده‌تر کشورهای غربی و بویژه امریکا قرار گرفته است. فارغ از شدت و ضعف اثرگذاری عوامل، در این پژوهش تلاش شد ابعاد مختلف بحران روابط دو کشور ایران و امریکا به صورت اجمالی بررسی شود. بدیهی است دستیابی به یک نقشه‌ی راه پایدار و جامع در روابط دو کشور بدون در نظر گرفتن نقش همه‌ی این ابعاد و عوامل ممکن نخواهد بود، همان‌گونه که توافق نافرجام برجام شاهدی بر این موضوع است.



## منابع

## الف) فارسی

۱. ابوالحسن شیرازی، حبیب الله، ارسالن قربانی شیخ نشین و رضا سیمبر (۱۳۹۴)، *سیاست و حکومت در خاورمیانه*، تهران: سمت.
۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، «کالبد شکافی مذاکره هسته ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱»، *نشریه مطالعات روابط بین الملل*، شماره ۳۰، صص ۲۸-۱.
۳. \_\_\_\_\_ و محمد رضا ابراهیمی (۱۳۹۵)، «تحلیلی بر عملکرد و مواضع لابی صهیونیست در قبال برجام»، *نشریه تحقیقات جدید در علوم انسانی*، شماره ۱۱، صص ۱۶۶-۱۴۹.
۴. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و سحر پیرانخو (۱۳۹۶)، «تحول فناوری موشکی و راهبرد دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، *نشریه راهبرد*، شماره ۸۳، صص ۷۴-۵۱.
۵. ازغندی، علیرضا و مهدی آقاعلیخانی (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل منطقه ای واگرایی در روابط ایران و عربستان (۱۳۹۰-۱۳۸۴)»، *نشریه سیاست*، شماره ۲۶، صص ۲۴۴-۲۲۵.
۶. اسدی، علی و مجید تهرانیان (۱۳۹۶)، *صدایی که شنیده نشد: نگرش های اجتماعی - فرهنگی و توسعه نامتوازن در ایران گزارشی از یافته های طرح «آینده نگری»*، چاپ ۶، تهران: نشر نی.
۷. افشین وفایی، محمد و پژمان فیروز بخش (۱۳۹۴)، *یادداشت های روزانه محمد علی فروغی از سفر کنفرانس صلح پاریس دسامبر ۱۹۱۸ - اوت ۱۹۲۰*، تهران: نشر سخن.
۸. امجد، محمد (۱۳۹۴)، *سیاست و حکومت در ایالات متحده*، چاپ ۱۰، تهران: سمت.
۹. بهمن، شعیب (۱۳۹۵)، «امکان و امتناع شکل گیری روابط راهبردی میان ایران و روسیه»، *نشریه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، شماره ۶۸، صص ۱۱۵-۱۴۱.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶)، «نقش نیروی قدس در حل بحران های غرب آسیا»، *نشریه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، شماره ۶۹، صص ۳۲-۵.
۱۱. پولاک، کنت ام (۱۳۸۸)، *معمای ایران تعارض در روابط ایران و آمریکا*، ترجمه مهرداد صمیمی، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.

۱۲. پورخوش سعادت، محمد (۱۳۹۴)، «نقش مهندسی افکار عمومی در امریکا بر روابط بین ایران و امریکا»، *نشریه مطالعات عملیات روانی*، شماره ۴۳، صص ۱۴۱-۱۲۱.
۱۳. تخشید، محمدرضا و سید محمد علی علوی (۱۳۹۵)، «روابط ایران و امریکا: از گام‌های اعتماد ساز تا برخوردهای زورمدار»، *نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۳۰۳، صص ۸۷-۷۴.
۱۴. جعفری موحد، حسین (۱۳۹۴)، «رابطه ایران با ایالات متحده امریکا، امکان یا امتناع؟»، *نشریه سیاست خارجی*، شماره ۳، صص ۱۳۱-۱۰۵.
۱۵. حاتمی راد، منصور (۱۳۸۵)، «ژئوپولیتیک ایران»، *نشریه پیام*، شماره ۸۱، صص ۱۵۴-۱۴۷.
۱۶. حیدری، غلامحسین (۱۳۸۴)، «ژئوپولیتیک فرهنگی یا ژئوکالچر»، *نشریه ژئوپولیتیک*، ویژه‌نامه بهار ۱۳۸۴، صص ۱۱۶-۹۳.
۱۷. دارابی، وحید و حامد کاظمی (۱۳۹۵)، «بحران تقابل و موازنه قدرت در سیاست خارجی ایران و عربستان سعودی»، *نشریه پژوهش ملل*، شماره ۱۵، صص ۱۹-۱.
۱۸. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۹۴)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ ۶، تهران: سمت.
۱۹. ربیعی، ربیع (۱۳۶۲)، *جغرافیای مفصل ایران*، جلد اول، تهران: نشر اقبال.
۲۰. ربیعی، علی و فرناز احمدزاده نامور (۱۳۸۷)، «نظریه بازنمایی رسانه‌ای و تحلیل افکار عمومی متقابل امریکایی و ایرانی ها»، *نشریه دانش سیاسی*، شماره ۸، صص ۶۲-۳۷.
۲۱. رحیم پور، علی (۱۳۸۱)، «تحولات ژئواستراتژیک در سده بیست و یکم و جایگاه منطقه ایران»، *نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره‌ی ۱۸۳ و ۱۸۴، صص ۶۱-۴۸.
۲۲. رضازاده ملک، رحیم (۱۳۵۰)، *تاریخ روابط ایران و ممالک متحده امریکا*، تهران: نشر کتابخانه طهوری.
۲۳. رفیع، حسین (۱۳۸۷)، «دانشواره ژئوپولیتیک و ژئواستراتژی در دنیای اطلاعات (با تاکید بر مورد ایران)»، *نشریه سیاست*، شماره ۷، صص ۱۱۶-۹۵.
۲۴. ساداتی نژاد، سید مهدی و افشین ترکارانی (۱۳۹۳)، «بررسی مناقشه انقلاب اسلامی ایران و امریکا در مباحث حقوق بشر براساس رهیافت رئالیسم و سازه‌انگاری»، *نشریه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، شماره ۱۱، صص ۸۰-۶۱.
۲۵. ستوده، محمد (۱۳۸۰)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ساختار نظام بین الملل»، *نشریه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)*، شماره ۱۶، صص ۱۸۰-۱۶۱.

۲۶. سلیمی، حسین (۱۳۸۸)، «رویکردی سازه انگارانه به زمینه‌های اجتماعی روابط ایران و آمریکا»، *نشریه علوم سیاسی*، شماره ۱۴، صص ۹۳-۱۱۷.
۲۷. سلیمی بنی، صادق (۱۳۸۱)، «منابع و نهادهای اثرگذار بر سیاست خارجی ایالات متحده»، *نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۷۵ و ۱۷۶، صص ۵۸-۷۱.
۲۸. سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۹)، «دامنه رویکردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نسبت به آمریکا از «رویگرایی پیشدستانه» تا «واقع‌گرایی پیشگیرانه»»، *نشریه سیاست*، شماره ۱۳، صص ۱۵۸-۱۳۵.
۲۹. عضدانلو، حمید و نجفعلی غلامی (۱۳۸۶)، «زبان سیاست»، *نشریه بازتاب اندیشه*، شماره ۹۳، صص ۵۲-۴۶.
۳۰. علی اکبری، مرضیه (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی تروریسم در سیاست جنایی ایران و آمریکا»، *نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، شماره ۳، صص ۱۰۵-۱۱۸.
۳۱. عزیززاده، علی اکبر (۱۳۸۸)، «ریشه‌های منازعه بین ایران و آمریکا»، *نشریه دین و سیاست*، شماره ۲۲-۲۱، صص ۹۱-۱۰۴.
۳۲. علوی، سید یحیی و داریوش امیری (۱۳۹۵)، «نقش کنگره وزارت خزانه داری آمریکا در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۰-۲۰۱۴)»، *نشریه رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۳۴، صص ۹۴-۷۱.
۳۳. عنادی، مراد (۱۳۸۵)، «حزب دموکرات آمریکا و جمهوری اسلامی ایران»، *نشریه سیاست خارجی*، سال ۲۰، شماره ۲، صص ۲۹۳-۲۳۶.
۳۴. غفاری، مسعود و شهروز شریعتی (۱۳۸۷)، «امکان سنجی گسترش روابط راهبردی ایران و چین از منظر نظریات اتحاد و همگرایی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، شماره ۱۱، صص ۹۵-۷۵.
۳۵. قاسمی، مصطفی (۱۳۸۸)، «جایگاه لابی یهود در سیاست گذاری‌های ایالات متحده آمریکا»، *نشریه مریبان*، شماره ۳۱، صص ۷۳-۵۲.
۳۶. قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۷)، «مطالعات بین الملل: اسرائیل و استمرار تنش میان ایران و آمریکا»، *نشریه مطالعات راهبردی*، شماره ۳۹، صص ۱۶۴-۱۳۵.
۳۷. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل*، تهران: سمت.
۳۸. کسروی، احمد (۱۳۶۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، جلد دوم، چاپ ۱۶، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
۳۹. گوهری مقدم، ابوذر و پوریا سرهنگ پور (۱۳۹۵)، «سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران، از رئالیسم تا تعامل سازنده»، *نشریه جستارهای سیاسی معاصر*، سال ۷، شماره ۱، صص ۶۸-۵۳.

۴۰. لب‌خنده، ابراهیم و حسین کریمی فرد (۱۳۹۵)، «کارکرد موسسات مطالعاتی در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران»، *نشریه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، شماره ۱۸، صص ۵۵-۸۱.
۴۱. مافی، همایون (۱۳۸۵)، «تاملی بر تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل»، *نشریه پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۱، صص ۵۹-۸۴.
۴۲. متقی، ابراهیم و مهدی فقیه (۱۳۹۲)، «نقش اتاق‌های فکر در تعامل با نهادهای تصمیم‌گیر راهبردی آمریکا»، *نشریه مطالعات آمریکا*، پیش شماره ۹، صص ۵-۴۰.
۴۳. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، *ایده‌های ژئوپولیتیک و واقعیت‌های ایران*، تهران: نشر نی.
۴۴. مجله الکترونیکی علمی تخصصی ایکد (۱۳۹۷)، «پیش درآمدی بر انقلاب صنعتی چهارم». قابل دسترسی در ۱۳۹۷/۰۵/۰۵ <http://www.e-code.ir> /پیش-درآمدی-بر-انقلاب-صنعتی-چهارم
۴۵. مصلح زاده، مصطفی (۱۳۸۴)، «دموکراسی در ایران و دموکراسی در آمریکا تحلیل ساختاری و تئوریک»، *نشریه مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۲، صص ۱۵۷-۱۸۲.
۴۶. مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۵)، «سیاست گذاری موازنه منطقه ای در روابط ایران و عربستان»، *نشریه سیاست*، دوره ۴۶، شماره ۴، صص ۱۰۸۷-۱۰۶۷.
۴۷. منصوری، جواد (۱۳۸۲)، «چالش‌های امنیتی ایران و آمریکا»، *نشریه اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره ۶، صص ۸۴-۱۰۲.
۴۸. موسویان، سید حسین (۱۳۹۴)، *روایت بحران هسته‌ای ناگفته‌های یک دیپلماتیک*، رحمن قهرمان‌پور، تهران: نشر تیسرا.
۴۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، *ایران و آمریکا گذشته شکست خورده و مسیر آشتی*، تهران: نشر تیسرا.
۵۰. موسوی شفائی، مسعود و فرزانه نقدی (۱۳۹۴)، «اقتصاد سیاسی بین‌المللی ایران در دوران پساتحریم»، *نشریه روابط خارجی*، شماره ۲۸، صص ۲۱-۶۲.
۵۱. میلسپو، آرتور (۱۳۷۰)، *آمریکایی‌ها در ایران (خاطرات جنگ جهانی دوم)*، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر البرز.
۵۲. مینایی، مهدی (۱۳۸۴)، «بررسی جایگاه و موقعیت ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران و نقش آن در تامین و ارتقاء امنیت ملی»، *نشریه جغرافیایی سرزمین*، شماره ۶، صص ۱۳-۲۳.
۵۳. نیاکوبی، سید امیر و علی قنادی (۱۳۹۶)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام: تداوم موازنه سازی و هویت یابی انقلابی»، *نشریه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، شماره ۲۱۵، صص ۲۱۹-۲۵۷.

۵۴. وثوقی، سعید و مسعود رضایی (۱۳۹۴)، «ملاحظات امریکایی ترکیه در روابط با ایران»، *نشریه سیاست دفاعی*، شماره ۹۳، صص ۲۳۰-۱۸۹.

## ب) انگلیسی

- 1- Jesse, Eric (2011), *Forecasting the Future of Iran Implications for U.S. Strategy and Policy*, Pardee Rand Graduate School. <http://www.Rand.org/content/dam/rand-pubs/rgs-dissertations/2011/RAND-ROSP290.pdf>.

## پیوست یک

ابعاد و توصیف‌گرهای روابط ایران و آمریکا

| ابعاد                         | توصیف‌گرها                                   |
|-------------------------------|--|
| عوامل تاریخی                  | نقش آمریکا در کودتای سال ۱۳۳۲                |
|                               | نقش آمریکا در حمایت همه جانبه از رژیم پهلوی  |
|                               | نقش اشغال سفارت آمریکا در ایران              |
|                               | نقش اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران        |
|                               | نقش آمریکا در کودتای نوژه                    |
|                               | نقش حمله ی نظامی آمریکا در ماجرای طیس        |
|                               | نقش آمریکا در حمله ی عراق به ایران           |
|                               | دیپلماسی پنهان آمریکا در ماجرای مک فارلین    |
|                               | حمایت و کمک به جریان‌های معارض جمهوری اسلامی |
|                               | اعمال سیاست مهار دو جانبه                    |
|                               | قانون تحریم ایران                            |
|                               | نقش آمریکا در تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت  |
|                               | عوامل جغرافیایی                              |
| نقش جایگاه ژئواستراتژیک ایران |  |
| نقش ژئواکونومیک ایران         |  |

|   |                              |
|---|------------------------------|
| نقش ژنو کالجیر ایران  |                              |
| تأثیر جایگاه ایران در حلّ پرونده ی افغانستان                    |                              |
| تأثیر جایگاه ایران در حلّ پرونده ی عراق                         |                              |
| تأثیر جایگاه ایران در حلّ پرونده ی سوریه                        |                              |
| تأثیر جایگاه ایران در حلّ پرونده ی یمن                          |                              |
| تأثیر جایگاه ایران در رفع سایر منازعات منطقه ای                 |                              |
| نوع تعریف دو کشور از تروریسم                                    | عوامل نظری                   |
| شناسایی و حمایت از گروه‌های تروریستی                            |                              |
| چگونگی مبارزه با تروریسم  |                              |
| نحوه ی تعریف دو کشور از حقوق بشر                                |                              |
| جایگاه حقوق بشر نسبت به حاکمیت و قوانین داخلی                   |                              |
| نحوه ی برخورد با موضوعات حقوق بشر                               |                              |
| آینده ی نظام سرمایه داری  |                              |
| آینده ی جهانی سازی فرهنگ امریکایی                               |                              |
| رویکرد واقع‌گرا و عمل‌گرای ایالات متّحده                        |                              |
| نگاه استکبار ستیزی و حمایت ایران از مستضعفان جهان               |                              |
| آینده ی اسلام سیاسی و انقلابی گری در جمهوری اسلامی              |                              |
| آینده ی جهانی سازی فرهنگ اسلامی شیعی                            |                              |
| رویکرد ارزش‌گرای ایران  |                              |
| جایگاه ایران در آینده ی نظام بین الملل                          | نظام بین‌الملل و سایر کشورها |
| جایگاه ایران در آینده ی ائتلاف‌های منطقه ای                     |                              |
| تأثیر روابط ایران با چین و روسیه بر آینده ی روابط با امریکا     |                              |
| تأثیر روابط ایران با اتحادیه ی اروپا بر آینده ی روابط با امریکا |                              |
| نقش اسرائیل   |                              |

|  |                        |
|--|------------------------|
| نقش فلسطین                                       |                        |
| نقش عربستان سعودی                                |                        |
| نقش کشور ترکیه                                   |                        |
| نقش کشور مصر                                     |                        |
| نقش سایر کشورهای منطقه در روابط ایران و آمریکا   |                        |
| نقش ویژگی‌های فردی رهبران                        | نهادهای رسمی و غیررسمی |
| نقش اراده ی سیاسی رهبران                         |                        |
| نقش شجاعت تصمیم گیری در رهبران                   |                        |
| نقش وجود حسن نیت در گفتار و عمل رهبران           |                        |
| نقش و جایگاه ساختار رهبری ایران بر آینده ی روابط |                        |
| نقش دولت آمریکا                                  |                        |
| نقش نهادهای نظامی آمریکا                         |                        |
| نقش نهادهای سیاسی آمریکا                         |                        |
| نقش نهادهای مالی و اقتصادی آمریکا                |                        |
| نقش دولت ایران                                   |                        |
| نقش نهادهای نظامی ایران                          |                        |
| نقش نهادهای سیاسی ایران                          |                        |
| نقش اتاق‌های فکر                                 |                        |
| نقش لابی‌ها                                      |                        |
| نقش لابی ایپک                                    |                        |
| نقش گروه‌های فشار و تندرو ایران                  |                        |
| تأثیر منابع نفت و گاز ایران                      | عوامل اقتصادی          |
| آینده ی نیاز به انرژی فسیلی در جهان              |                        |
| نیاز ایران به دستیابی به فناوری‌های نوین         |                        |

|  |                      |
|--|----------------------|
| نیاز ایران به جذب سرمایه‌گذاری خارجی                               |                      |
| نیاز ایران به عادی‌سازی مبادلات پولی و مالی با نظام بین‌الملل      |                      |
| ویژگی‌های خاص شخصیتی مردم ایران و آمریکا                           | عوامل فرهنگی اجتماعی |
| ویژگی‌های خاص شخصیتی مردم آمریکا                                   |                      |
| نقش افکار عمومی ایران در شکل‌دهی به تصمیمات رهبران                 |                      |
| نقش افکار عمومی آمریکا در شکل‌دهی به تصمیمات رهبران                |                      |
| نقش روابط مردم با مردم در آینده‌ی روابط دو کشور                    |                      |
| برنامه‌های علمی و آموزشی مرتبط با حوزه‌ی توانمندی هسته‌ای ایران    |                      |
| برنامه‌های اجرایی و عملیاتی مرتبط با حوزه‌ی توانمندی هسته‌ای ایران |                      |
| تحوّل در توافق برجام   |                      |
| تحوّلات پسا برجام  |                      |
| نحوه‌ی برخورد با برنامه‌های موشکی ایران                            |                      |
| آینده‌ی برنامه‌ی موشکی ایران                                       |                      |
| احتمال حمله‌ی نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران                       |                      |